

طرح "مصالحه ملی" تبرئه جنایتکاران است!

گفته اند که خائن خائف است. مصداق این گفته را میشود به روشنی در کارنامه سران احزاب اسلامی- قومی مشاهده کرد که علیرغم سلطه شان بر اهرمهای قدرت سیاسی و اقتصادی کشور بازهم کاملاً احساس امنیت نمیکند. پارلمان افغانستان، این مجمع از تبهکاران و جنگسالاران جهادی، در ۱۳ جنوری سال جاری با عجله طرح ۱۱ ماده ای را به تصویب رسانید که طبق آن جنایتکاران جنگی سه دهه اخیر را از هرگونه پیگرد قانونی معاف میدارد. سخنگوی کمیسیون این طرح "محمد محقق" تصویب آن را ضمانت روانی عنوان کرد. نامبرده از توضیح "ضمانت روانی" در برابر که و چه مرجعئی خودداری کرد. اما آنچه بی نیاز از توضیح است، منظور وی و همپالگی های جنایتکارش از "ضمانت روانی" در برابر مردم و قربانیان جنایات شان نیست. اگر اینها ذره وجدان و احساس انسانی میداشتند، یکهازارم جنایات که بر مردم ستمدیده افغانستان روا داشته اند و هنوز هم این جنایات لجام گسیخته از مردم قربانی می گیرد و ادامه دارد را مرتکب نمیشدند. جنایات گسترده و هولناکی که آدم نمیداند از برشماری کدامیک اول باید آغاز کند.

از کودکان و زنان بی دفاع و مظلوم کابل، مزار، هرات و بامیان و ... که سفاکانه با هجوم اوباشان مجاهد و طالب بخون تپیدند. از قتل عام افشار که بعنوان "سینه خونچکان" کابل سرزبانهاست. از به آتش کشیدن کوهدامن و کشتار اهالی آن، از تجاوز جنسی به زنان و کودکانی که شیون دادخواهی قربانیان آن هنوز در کابوس بازماندگان و شاهدان این حوادث تکرار میشود، از چپاول و غارت دار و ندار شخصی مردم، از ویران کردن شهرها و دهات کشور و حراج اموال عمومی توسط اوباشان جهادی و یا از گورهای جمعی سفاکان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق که هر روز از نو کشف میشوند، از کدام یک؟ ابعاد جنایات روا داشته شده یکی دو تا نیستند. مردم مظلوم و بی پناه ما در این سه دهه چه بلاهای که ندیده اند و نه کشیده اند.

در تاریخ معاصر افغانستان از سه دهه ایلغار این جنایتکاران بحق بمثابه سیاهترین و ننگینترین دوران تاریخ کشور یاد خواهد شد. مردم افغانستان این همه جنایت و بربریت را هرگز نخواهند بخشید. اگر قرار باشد کسی در مورد این جنایات به قضاوت بنشیند این نه عاملین این جنایات و تبهکاری ها بلکه قربانیان آنست. آیا گمان میرود کودکانی که شاهد این همه قساوت و ددمنشی بوده اند و بخون تپیدن و سلاخی شدن مادران و پدران و عزیزان شان را با یک دنیا غم و وحشت شاهد بوده اند و یا مادران ماتمزده ای که هنوز در غم از دست دادن عزیزان خود بجای اشک خون میگیرند، اشکهای که تا رسیدن به عدالت و دادخواهی هرگز نخواهد خشکید، قاتلین و عاملین جنایات را خواهند بخشید؟ ستم و بیدادگری کما فی سابق ادامه دارد. امروز هم این کودکان و زنان و بازماندگان خانواده های قربانی اند که در سخت ترین شرایط شب و روز میگذرانند و از فرط استیصال و بیچاره گی در صف گداهای شهر و ده پیوسته اند. درحالیکه عاملین جنایت و سياهروزی مردم با حمایت ارباب و تکیه زدن بر مسند قدرت و لمیدن در کاخها، قانون وضع میکنند. قانون مشروعیت بخشیدن و رسمیت دادن به مجموع جنایات و تبهکاری های شان. دردها و ناله های بی پایان مردم که در قفس سینه ها محبوس گشته و در گلوها خفه شده اند، مطمئناً روزی نچندان دور به فریاد خشم و حق طلبی تبدیل خواهند شد.

اما اینک چه پیش آمده است که تبهکاران و جانیان بجای دفاع از جنایات شان در پی تبرئه و عفو خویش برآمده اند و میخواهند "ضمانت روانی" بدست آورند؟ دیگر از عریده های سیاف، مهرهان و همکیشان او که بوقاحت تمام خطاب به مردم میگفت: " مجاهدین را جنایتکار گفتن خود جنایت است" خبری نیست. آیا این جانیان صدای دادخواهی مردم را از پشت حصارهای بلند قدرت شنیده اند و فشار از پائین را احساس می کنند و یا اینکه با تعرض سیاسی در پی کسب مصئونیت و ضمانت اند؟ دشمنان بقدرت لمیده مردم هرگز بساده گی از اعمال ستم و زور بر مردم کوتاه نمیایند و رویکرد تازه ی آنان را باید تلاش دیگری در جهت تثبیت و پیشروی هرچه بیشتر حاکمیت سیاه آنان دانست.

پذیرش یوغ بردگی امپریالیسم غرب، در رأس امپریالیسم امریکا، از جانب سران جهادی و جنگسالاران از سالها بدینسو از سر تطابق منافع و الزامات عینی معینی بر طرفین این اتحاد نامقدس تحمیل گردیده است،

اتحادی که مملو از تنش، شگردها و باج دهی و باجگیری است. اسلامیهستهای نوکرمش و مواجب بگیر از کنفرانس بن تا بحال علیرغم نابسامانیها و نزاعهای درونی خود پیشرفتهای در شکل دادن به ساختار قدرت و سیر روند اوضاع داشته اند و آنها در پی اسلامیزه کردن هرچه بیشتر رژیم اند. امپریالیسم غرب از آغاز تا اکنون در ضمن میدان دادن به اسلامیهست ها برخی از ابزار های فشار جهت مطیع ساختن و سرجانشاندن این ایادی مزدورش را حفظ کرده است. تعقیب و کشتاندن جنایتکاران جنگی به پای میز محاکمه تا کنون یکی از آن ابزارهای است که امریکا و غرب همچون شمشیر داموکلس بر سر متحدین اسلامیهست خود برافراشته نگهداشته اند. امریکا و غرب خونهای ریخته شده ی هزاران انسان بیگناه بدست جهادیهها را دستاویز فشار و "بلک میل" در به انقیاد درآوردن آنها تبدیل کرده است و نمیخواهند به سادگی آنها را از چنگ بدهند. هراز گاهی با انتشار گزارشات سازمانهای حقوق بشر، امپریالیسم غرب گماشته گانش را تحت فشار روانی و سیاسی قرار داده و با سلب آرامش از آنان، اصل فرمانبرداری و حد نگهداشتن را به آنها گوشزد مینماید. سرکردگان جهادی که اینک خود را بیش از هر زمانی در دستگاه قدرت مقتدر میابند و از گرفتاریها امریکا و متحدین آن در منطقه آگاه اند، شرایط و زمان را برای یک پیشروی و رهیدن از یک چنین هردم شهیدی مناسب دانسته و با تصویب لایحه "مصلحه ملی" ظاهر را دل بدریا زده اند.

مخالفت سریع سازمان ملل با این طرح بمعنی حاضر نبودن غرب به دادن این امتیاز است. پارلمان و دولت افغانستان با پیش کشیدن این طرح ریسک بزرگی را بجان خریده اند. شکست این طرح، پارلمان اسلامی-قومی را بیش از پیش بی اعتبار میسازد، مسئله ی که با استراتژی و سیاست غرب در این اوضاع نیز همخوانی چندانی ندارد.

برعکس شکست طرح اسلامیهستها در پارلمان و رژیم در کل و به پای میز محاکمه کشانیده شدن عاملین جنایت سه دهه خواست برحق مردم افغانستان است. به محاکمه کشتاندن جنایتکاران نه بمعنی تشویق به انتقامجویی بلکه دفاع از اصل عدالت، درسگیری از گذشته و جلوگیری از تکرار آنست. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان ضمن تقبیح قاطع مصوبه ی "مصلحه ملی" ولسی جرگه رژیم اسلامی افغانستان، از تمام سازمانها و نهادهای سیاسی و مردم آزادیخواه دعوت مینماید که فعالانه در جهت افشاء و شکست این طرح سهم بگیرند.

مردم افغانستان خواهان آزادی و عدالت اند!

زنده باد سوسیالیسم!

کمیته اجراییه سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

5 فبروری 2007